

درس هفتم عربی دهم مشترک
دبیر: سعیده ملا اسماعیلی

دبیرستان دخترانه زینبیه
آموزش و پرورش ناحیه ۲ یزد



جار و مجرور



- در زبان فارسی به حروفی مانند «به ، برای ، از ، در ، بر» حروف اضافه گفته می شود ؛ چون به تنهایی معنا ندارند و به همراه کلمه ی بعد از خود ، معنای جمله را کامل می کنند.
- در زبان فارسی به کلمه ای که بعد از حرف اضافه قرار می گیرد ؛ متمم گفته می شود

از مدرسه به خانه آمدم



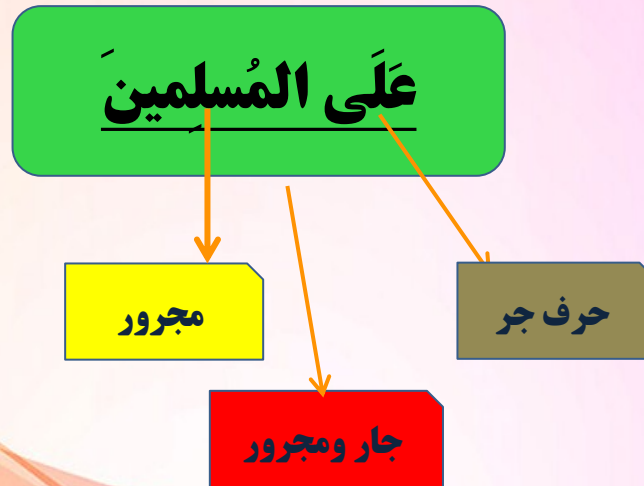
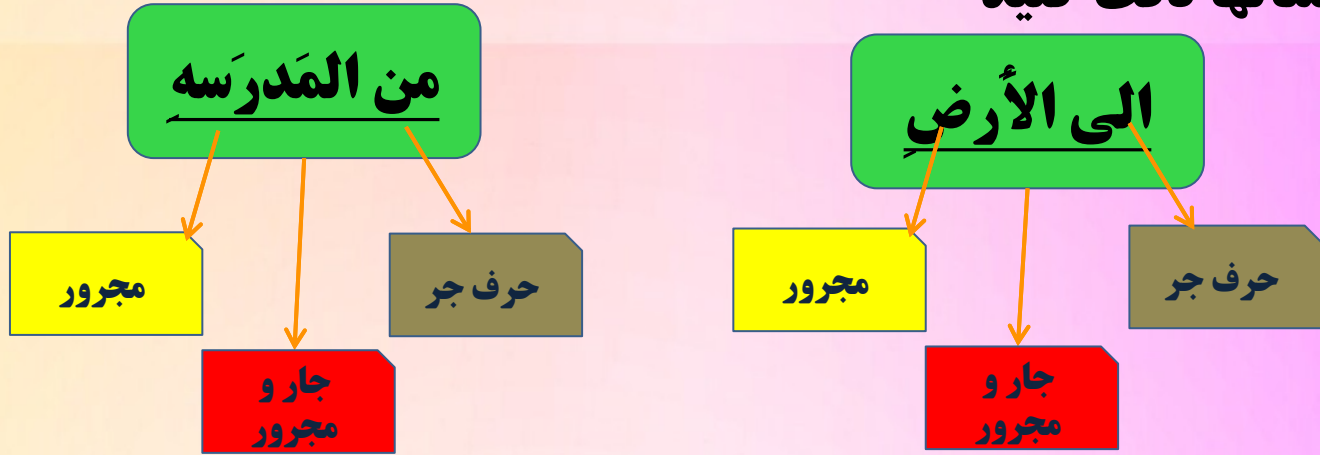
- به مثال دقت کنید:

- در زبان عربی این حروف اضافه ؛ حروف جر نام دارد ؛ چون به تنهایی معنا و مفهومی ندارند و به همراه کلمه ی بعد از خودشان معنای جمله را کامل تر می کنند

حروف جر

- حروف جر حرفی هستند که به تنهایی در جمله معنا و مفهوم خاصی ندارند و به همراه کلمه ای که بعد از آنها می آید مفهوم و معنای جمله را کامل تر می کنند مانند «**مِنَ ، اِلَى ، عَلَى ، فِی ، لِ ، كَ ، بِ ، عَن**»
- به اسمی که بعد از این حروف قرار می گیرد؛ مَجْرور به حرف جر گفته می شود
- به حرف جر که قبل از اسم قرار می گیرد جار گفته می شود
- پس؛ به حرف جر: جارّ و به اسم بعد از حرف جر: مَجْرور گفته می شود
- به هر دوی اینها جار و مَجْرور گفته می شود

به مثالها دقت کنید



نکات مهم پیرامون حرف جر

- توجه داشته که حروف جر فقط و فقط بر سر اسم و یا ضمائر متصل می آیند مثال: فی البیتِ علی الكرسيِ
- توجه داشته باشید که حروف جر قبل از فعل یا قبل از حروف دیگر قرار نمی گیرند مثال: ~~فی يأكلون~~ ~~عن يذهب~~
- غالباً کلمه ای که بعد از حروف جر قرار می گیرد؛ دارای اعراب و حرکت مجرور است؛ یعنی مجرور به حرف جر یکی از این علامتهای را می گیرد: (ـِ ، ـٍ ، ـَ ، ـِین ، ـِین)

مثال:

لِلْمُؤْمِنِينَ

مجرور به حرف
جر باین

عَنِ الْكِتَابِ

مجرور به حرف
جر با ـِ

مهمترین معانی حروف جر

حرف مِنْ

حرف مِنْ به معنای «از، از جنس» ترجمه می شود

اشْتَرَيْتُ خَاتَمًا مِنْ الذَّهَبِ
انگشتری از جنس طلا خریدم

انْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ
از آنچه دوست دارید انفاق کنید

توجه کنید که «مِمَّا» مخفف «مِنْ ما» است

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
تو از (اهل) کجاهستی؟

الدُّلْفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ الْعَجِيبَةِ
دلفین از حیوانات شگفت انگیزی است

حرف جر «فی»

- حرف جرّ «فی» به معنای «در» می باشد

مجرور به
حرف جر

النَّجَاهُ **فِي** الصَّدَقِ

رهایی **در** راستگویی است

مجرور به
حرف جر

النَّظْرُ **فِي** ثَلَاثِهِ عِبَادَةٍ

نگاه کردن **در** سه چیز عبادت است

علاوه بر توجه به معنی حروف جر، به اعراب
و حرکت آخر کلمه (مجرور به حرف جر)
هم دقت کنید که چه حرکتی گرفته

مجرور به
حرف جر

الطَّالِبَاتُ **فِي** بَيْوتِهِنَّ **فِي** أَيَّامِ النَّيروزِ

دانش آموزان **در** ایام نوروز **در** خانه هایشان هستند

مجرور به
حرف جر

مجرور به
حرف جر

لَا تَرَى **فِي** خَلْقِ اللَّهِ نَقْصًا

در آفرینش خدا عیب و نقصی نمی بینی

معنای حرف جرّ «إِلَى»

- حرف «إِلَى» به معنای «به» ، «به سوی» ، «تا» ترجمه می شود

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ **إِلَى** الْمَسْجِدِ
الْأَقْصَى

پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد

طالعتُ دُرُوسِي مِنَ السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا **إِلَى** الظُّهْرِ
درسهایم را از ساعت ۷ صبح تا ظهر مطالعه کردم

أَنْظُرُوا **إِلَى** مَا قَالِ
به آنچه گفت نگاه کنید

حرف جر عَلَي

• حرف جر عَلَي به معنی «بر، روی، به زیان، باید» می باشد

مجرور به
حرف جر

مجرور به
حرف جر

الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ
روزگار دو روز است. روزی به سودت و
روزی به زیانت

مجرور به
حرف جر

جَلَسَ الطَّالِبُ عَلَي الكُرْسِيِّ
دانش آموز روی صندلی نشست

مجرور به
حرف جر

النَّاسُ عَلَي دِينِ مَلُوكِهِمْ
مردم بر دین پادشاهان شان هستند

مجرور به
حرف جر

مجرور به
حرف جر

عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فِي الشَّدَائِدِ
شما باید در سختی ها صبر کنید

معنای حرف بِ

- حرف «ب» در فارسی «به، به وسیله ی ، در» ترجمه می شود

مجرور به
حرف جر

لا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ
به روز قیامت سوگند نمی خوردم

مجرور به
حرف جر

كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي بِالْقَلَمِ الْأَسْوَدِ
تکالیفم را به وسیله ی قلم سیاه نوشتم

مجرور به
حرف جر

لَقَدْ نَصَرَ كُمْ اللَّهُ بِدَرِّ
خدا شما را در (جنگ) بدر یاری کرد

معنای حرف «لِ»

• حرف «لِ» در فارسی به «برای، از آن (مال)، داشتن» ترجمه می شود

لِمَاذَا أَنْتَ حَزِينٌ لِّأْتِي ضَيْعَتُ فُرْصَتِي
برای چه ناراحتی؟ برای اینکه فرصتم را تباه کردم

لِمَنْ هَذَا الْحَقِيبَةُ؟ لِمَرْيَمَ
این کتاب مال کیست؟ مال مریم است

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ
دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم است

لِلْكَلامِ آدابٌ
سخن گفتن آدابی دارد

نکته طلایی

اگر بعد از حرف جرِ ضمائر متصل (البته بجزی متکلم
وحده) بیاید؛ حرف جرِ فتحه می گیرد لَکَ، لَہُنَّ،

لَنَا، لَہُ، لَکُم، لَہَا، لَکُنَّ، لَکِ

حرف جر عَن

• حرف جر «عَن» در فارسی به «از، درباره ی» ترجمه می شود

هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ **عَنْ** عِبَادِهِ

او کسی است که توبه را **از** بندگان قبول می کند

سَأَلْتُ مِنْ صَدِيقِي **عَنْ** الْقِصَّةِ

از دوستم درباره ی داستان پرسیدم

معنای حرف «ک»

- حرف «ک» در فارسی به «مانند» ترجمه می شود

أنت كالبحر

تو مانند دریا هستی

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امتش است

سپاس از توجه شما

